

نقش توبه در سقوط مجازات های حدی در فقه و حقوق ایران

ناظر حسین محمدی

دانش پژوه کارشناسی ارشد

چکیده

توبه در حقوق جزای اسلامی به عنوان یکی از موارد سقوط مجازات شمرده شده و از این باب یک تأسیس حقوقی در حقوق جزای اسلامی است، به گونه‌ای که در سایر مکاتب کیفری امروزی نمونه آن به چشم نمی‌خورد. تحقیق حاضر به عنوان **نقش توبه در سقوط مجازات های حدی در فقه و حقوق ایران** نگارش یافته است در این تحقیق توبه یکی از بهترین شیوه‌های جلوگیری از جرم و اصلاح مجرمان مورد بررسی قرار گرفته است و با تأمل در آیات و روایات و نیز سخنان حقوق دانان و فقهای اسلام (اعم از شیعه و اهل سنت)، استنباط شده است که برای توبه، ندامت حقیقی و عزم بر ترک گناه برای همیشه کافی است و انجام آن نیاز به لفظ و اعمال خاصی ندارد. در قانون مجازات ایران توبه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و اگر با شرایط کامل انجام شود، یکی از معاذیر قانونی معافیت از مجازات شناخته شده است که در جرایم «حق الله» پیش از ثبوت جرم به وسیله اقرار یا شهادت شهود، مسقط مجازات بوده، ولی در جرایمی که جنبه «حق الناس» دارند موجب سقوط مجازات نمی‌گردد؛ زیرا مرتکب علاوه بر اینکه اوامر و نواهی الهی را نادیده گرفته، موجب ضرر و زیان دیگران نیز شده و باید جبران کند. در بررسی های بدست آمده در این تحقیق روشن شده است که اگر بزهکار پس از اقرار

توبه کند، قاضی مخیر است که از ولی امر برای او تقاضای عفو نماید یا مجازات را در حق وی اعمال کند. اما توبه پس از اقامه بینه هیچ اثر حقوقی ندارد.

کلید واژه: مجازات، حد، تعزیر، توبه، حق الله، حق الناس و سقوط.

مقدمه

توبه به عنوان یکی از معاذیر شرعی و قانونی معافیت از مجازات، در جرایمی که جنبه حق الله دارد، پیش از ثبوت جرم به وسیله شهادت شهود یا اقرار متهم، در نظام حقوقی اسلام، از جایگاه ویژه برخوردار است؛ به گونه ای که نقش توبه در رفع مسئولیت کیفری، مورد پذیرش اجماع فقهای امامیه و اکثر فقهای عامه قرار گرفته است و همه آن ها سقوط مجازات مجرمین را قبل از اثبات جرم، اثر اصلی توبه دانسته و راهبرد این اثر را منوط به اظهار آن پیش قاضی نکرده اند؛ بلکه حسرت و ندامت واقعی مجرم و انجام اعمال نیک را در تحقق آن کافی می دانند.

در قوانین موضوعه برخی از کشورهای اسلامی نیز با پیروی از فقها، توبه قبل از دستیگیری مجرم مسقط کیفر قلمداد شده است. بخشی از جرایم ارتكابی در جامعه توسط مجرمین اتفاقی ارتكاب می یابد که بدون اصرار بر جرم و تنها به خاطر قرار گرفتن در یک موقعیت مجرمانه، مرتکب جرم می شوند. شایسته است که چنین اشخاصی، اگر از رفتار خود پشیمان و حاضر به جبران مافات شوند، بتوانند از طریق توبه مجدداً به جامعه باز گردند.

در آیات و روایات، توبه از جایگاه و منزلت خاصی برخوردار است علاوه بر جایگاه رفیع توبه در قرآن و روایات، عارفان، دانشمندان علم اخلاق، متکلمان و ادیبان هریک در کتاب های خود، بابتی به عنوان توبه گشوده اند و آن را مورد شرح و تفصیل قرار داده اند و در حقوق نیز از این امر غفلت نشده است قانون مدنی ایران ماده های را نیز به توبه تخصیص داده است که در این میان، فقها و حقوق دانان از منظری دیگر به توبه نگرسته و با الهام از آیات و روایات، آثار فقهی و حقوقی را مورد بررسی قرار داده اند. بر همین

اساس، در این تحقیق سعی شده است تا نقش توبه در مجازات های «حدی» در فقه و حقوق از دیدگاه فقها و حقوق دانان مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد.

الف) مفاهیم

۱- سقوط در لغت

در فرهنگ عمید سقوط به معانی؛ فرود آمدن بر زمین، افتادن، کاهش ناگهانی، به تصرف دشمن در آمدن، آمده است.^۱

۲- سقوط در اصطلاح

سقوط از نظر اصطلاحی عبارت است از عدم اجرای مجازات بدلایلی از قبیل: عفو مجرم، نسخ قانون، گذشت شاکی، مرور زمان و توبه. آنچه که در رابطه با مجازاتها باید مورد توجه قرار گیرد این است که ارتکاب اعمال مجرمانه همیشه منتهی به مجازات نمی شود، چرا که گاهی علل و عواملی پیش از اجرای مجازات باعث سقوط و عدم اعمال مجازات می شود. یکی از این علل توبه و برگشت از اقرار پیش از رسیدن پرونده به محاکم قضایی است.^۲

۳- مجازات در لغت

مجازات در لغت نامه های فارسی معین، دهخدا و عمید به یک معنا یعنی به معنای پاداش دادن و جزا دادن در نیکی و بدی آمده است.^۳

۴- مجازات در اصطلاح

مجازات یا کیفر در اصطلاح به معنای تحمیل عملی رنج آور بر شخصی دیگر گفته می شود که پیامد عمل آن شخص باشد. این واژه بیشتر به تنبیهات و جریمه هایی اشاره دارد که مقامات قضائی برای افرادی در نظر می گیرند که مقررات مهم جامعه را پایمال کرده اند، یعنی مرتکب جرم شده اند.

از انواع کیفر می توان به کیفرهای سالب حیات یعنی اعدام و کیفرهای بدنی مانند تازیانه، کیفرهای سالب آزادی مانند حبس، کیفرهای محدودکننده آزادی مانند تبعید، کیفرهای محرومکننده از حق مانند انواع محرومیت‌ها و ممنوعیت‌ها، کیفرهای مالی مانند جزای نقدی و مصادره اموال، کیفرهای سالب حیثیت مانند اعلام نام شخص از رسانه‌ها و قصاص یعنی انجام جنایتی که شخص مرتکب شده بر خود او اشاره کرد.^۴

۵- توبه در لغت

توبه از ریشه «ت و ب» در لغت به معنای بازگشت یا بازگشت از گناه است^۵ یا به معنای پشیمانی و بازگشت از معصیت به سوی طاعت خداوند است.^۶ راغب می گویند: توبه یعنی ترک گناه به بهترین وجه آن، و آن رساترین و گویاترین شکل از صورتهای پوزش است.^۷

خداوند نیز در قرآن کریم علاوه بر تشویق مرتکبین گناه به توبه، آن را راهی برای جبران گذشته از سوی خود اعلام نموده است: «إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»^۸ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...»^۹ از این رو، در روایات، توبه به عنوان والاترین طهارت معرفی شده است.

اما گاهی توبه به معنای صرف پشیمانی و بازگشت از گناه نمی باشد؛ بلکه این پشیمانی در صورتی معتبر بوده و توبه به حساب می آید که همراه با اصلاح گذشته باشد؛ چنان که در قرآن کریم آمده است: «فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ»^{۱۰} همچنین در روایتی در ارتباط با تأثیر توبه در سقوط حد آمده است: «إِذَا صَلَحَ وَعُفِيَ مِنْهُ أَمْرٌ جَمِيلٌ لَمْ يَقَمْ عَلَيْهِ الْحَدُّ»^{۱۱} بنابراین ممکن است توبه را امری مرکب از ندامت درونی و

اصلاح عملی دانست؛ نیز محتمل است توبه را به معنای ندامت و پشیمانی دانست که اصلاح عملی و رفتاری، مبرز این ندامت درونی است.

۶- توبه در اصطلاح

هرچند مفهوم اصطلاحی «توبه» از معنای لغوی آن دور نیست، اما تعاریف متعددی ارائه شده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

پشیمانی و برگشتن از گناه از آن جهت که گناه است نه از آن جهت که برای بدن مضر می‌باشد و عزم بر این که در صورت توانایی، به آن باز نگردد. امام محمد غزالی توبه را علم به عظمت گناه و پشیمانی و عزم بر ترک آن در حال و آینده و جبران گذشته می‌داند.^{۱۲}

عده‌ای توبه را به همان معنای لغوی یعنی رجوع و بازگشت دانسته‌اند و این بازگشت بنده به سوی خداوند است.^{۱۳} توبه به سوی خدا یعنی بازگشت و رجوع به درگاه خداوند و تسلیم در پیشگاه او، تا انسان مدام با پروردگار خود باشد و به ریسمان او چنگ زند و از او گریزان نگردد.^{۱۴}

۷- حد در لغت

حد در لغت به معانی منع، اندازه و منتهای هر چیز،^{۱۵} دفع، باز داشتن از کاری، تیز کردن، جدا کردن چیزی از چیزی، حایل میان دو چیز، نهایت هر چیزی، حکم شرعی، مرز و غیره آمده و جمع آن نیز حدود است.^{۱۶} حد همچنین به معنای عقوبت نیز آمده است.^{۱۷} زیرا مانع ارتکاب جنایت و معصیت می‌شود.

۸- حد در اصطلاح

فقها در اصطلاح حدا را چنین تعریف کرده‌اند:

۱. «كُلُّ مَا لَهُ عَقُوبَةٌ مُقَدَّرَةٌ يَسْمَى حَدًّا وَمَا لَيْسَ كَذَلِكَ يَسْمَى تَعْزِيرًا» هر جرمی که دارای مجازات مشخص باشد حد نام دارد و هرآنچه غیر از این باشد تعزیر است.^{۱۸}

۲. «الحدود جمع الحد وهو لُغَةٌ أَلْمَنَعُ وَشَرَعًا عَقُوبَةٌ خَاصَةٌ تَتَعَلَّقُ بِإِلَامِ بَدَنِ الْمَكْلَفِ بِوَاسِطَةِ تَلَبُّسِهِ بِمَعْصِيَةٍ خَاصَّةٍ عَيْنِ الشَّارِعِ كَمِيتِّهَا فِي جَمِيعِ الْأَفْرَادِ» حدود جمع حد و در لغت به معنای منع است و در شرع به مجازات مخصوص گفته می‌شود که اندازه آن را شارع معین کرده و به بدن مکلف به دلیل جرمی که مرتکب شده وارد می‌شود.^{۱۹} «اما حد در ماده ۳۱ قانون مجازات ایران نیز این‌گونه تعریف شده است: حد به مجازاتی گفته می‌شود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است.

(ب) شرایط پذیرش توبه

توبه زمان مورد پذیرش قرار می‌گیرد که با تمام شرایطش صورت بگیرد و الا آن توبه بحساب نمی‌آید.

در این زمینه روایات از معصومین (ع) به صورت روشن به بیان شرایط توبه می‌پردازد و به تفصیل آن را بیان می‌کند پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «توبه کننده باید اثر توبه را آشکار کند که در غیر این صورت تائب نخواهد بود» این آثار عبارتند از:

- ۱- راضی ساختن دشمن و کسانی که با آنها در حال نزاع و درگیری باشد. ۲- اعاده نمازهای فوت شده. ۳- تواضع بین مردم. ۴- دوری از شهوات ۵- روزه گرفتن.^{۲۰}
- به نظر می‌رسد چهار مورد ذکر شده در حدیث شریف مصادیق اصلاح عمل و عمل صالح باشد که به کرات در آیات فریضه از شرایط پذیرش توبه و صحت آن شمرده است.
- در روایات دیگری امیرالمومنین علیه اسلام استغفار را از درجه علین دانسته و برای آن ۶ مرحله بر می‌شمارد،^(۱) پشیمانی بر گذشته^(۲) تصمیم همیشگی بر عدم بازگشت به گناهان ۳- ادای حقوق مردم ۴- ادای فرائض و واجبات فوت شده ۵- گوشت‌هایی که

از راه گناه روییده است به حزن و اندوه آب کند بگونه‌ای که پوست به استخوان بچسبد و دگر بار گوشت در بین آنها بروید. ۶- همچنان که حلاوت و شیرینی کاذب معصیت و گناه را به تنش چشانده، همانگونه نیز الم و سخنی طاعت را بر تنش بچشانند. در این هنگام می‌توانی بگویی، استغفرالله.^{۲۱}

اما گاهی توبه ای افراد مورد پذیرش قرار نمی گیرد. زیرا گفته شده قبول توبه فضلی است الهی و خداوند بواسطه فضل و رحمت خویش آن را نسبت به افرادی که دارای تمامی شرایط توبه صحیح باشند دریغ نمی‌کند و آن هنگام که تائب، موفق به انجام توبه‌ای حقیقی گردد، خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد.

(ج) مراحل توبه در سقوط کیفر

۱- توبه قبل از دستگیری و اثبات جرم

نظر فقهای امامیه بر این است که توبه قبل از دستگیری و اثبات جرم موجب سقوط مجازات می‌گردد امام خمینی (ره) درباره توبه قبل از اثبات جرم می‌فرمایند: «اگر تائب قبل از قیام بینه توبه کند، مجازات او ساقط می‌شود چه رجم باشد و چه جلد».^{۲۲} در سایر کتب فقهی عبارت‌های مشابهی وجود دارد و در این مورد خلافتی مشاهده نمی‌شود.

نکته‌ای که ذکر آن در اینجا ضروری است این است متون فقهی صرفاً به توبه قبل از بینه اشاره و استناد می‌کنند و اقوال فقهی درباره توبه قبل از اقرار سکوت کرده‌اند و در آثار و کتب فقهی بحثی در این باره نشده است. شاید این سکوت بی وجه نباشد با این توضیح که، وقتی جرمی که بواسطه شهادت شهود و نه اقرار مجرم نزد حاکم ثابت می‌شود، اگر مجرم قبل از این شهادت موفق به توبه گردد، مجازات جرم مذکور به اتفاق علما ساقط می‌شود. به طریق اولی، هر گاه جرمی که بواسطه اقرار خود مجرم ثابت شده

و وی قبل از اقرار نزد قاضی توبه نیز نموده است. حتماً مجازات چنین شخصی توسط توبه وی درآ خواهد شد. اما در مورد توبه بعد از اثبات جرم بایستی قایل به تفکیک شد.

۲- توبه بعد از اقرار به جرم

در صورتی که کسی در ابتدا به جرمی اقرار و سپس توبه نماید آیا بایستی حد ساقط شود یا خیر؟

در مورد زنا نظر مشهور فقها بر این اند که اگر توبه زناکار بعد از شهادت شهود باشد، حد از او ساقط نمی‌گردد^{۲۳} در شرح لمعه آمده است: «اگر مجرم اقرار به حدی نمود و سپس توبه کرد، امام در اقامه حد یا عفو وی چه مجازات رجم باشد و چه جلد بنا بر قول مشهور فقها مختار است چون جمیع مجازات‌ها در مقتضی توبه مشترکند و چون توبه مسقط باشد میان دو عقوبت (رجم) است پس به طریق اولی مجازات خفیفتر (جلد) را ساقط خواهد کرد و لکن ابن ادریس در این مسئله با بقیه مخالف است»^{۲۴}

دلیل تخییر قاضی در این مورد روایات وارده می باشد که یک مورد آن را در این جا نقل می کنیم.

روایتی از امام صادق (ع) می باشد که ایشان فرمودند: امیرالمومنین در مورد جوان مجرمی که سرقت کرده بود حکم دادند: «قد و هبت یدک سوره البقره» و این حکم بخاطر این بود که بینه‌ای بر جرم وی اقامه نشده بود و وی اقرار کرده بود.

۳- توبه بعد از اثبات جرم

در این مورد دو نظریه وجود دارد:

۳-۱- نظریه اول

این نظریه عدم امکان عفو توسط امام می باشد. نظریه مشهور فقهای امامیه همین است که بر اساس روایات متعددی است که در این خصوص وارد شده است از جمله

خبر ابی بصیر از امام صادق (ع) در مورد مردی که شهود به زناى او شهادت داده بودند و او قبل از اجرای حد فرار کرده بود، امام فرمودند: « ان تاب فماشى وان وقع فى يد الامام اقام عليه الحد وان علم مكانه بعث اليه».^{۲۵}

۲-۳- نظریه دوم

امکان عفو توسط امام طبق نظر عده محدودی از فقها توبه بعد از اثبات بوسیله شهادت نیز توسط امام، قابل عفو است. شیخ مفید در المقنعه و حلبی در الکافی از قائلین به این نظریه هستند. طبق نظر عده محدودی از فقها توبه بعد از اثبات بوسیله شهادت نیز توسط امام قابل عفو است. از جمله شیخ مفید و حلبی قائل به این نظریه هستند که در این مورد به اصالت براءت، عدم ثبوت حد بر ذمه کسی بدلیل استصحاب و اولویت سقوط عقاب دنیا از عقاب اخروی استدلال کرده‌اند.

توضیح اینکه، طبق اصل براءت اگر ما تردید نماییم در اینکه فرد مستوجب حد است یا خیر طبق اصل براءت باید او را مستوجب حد ندانیم و طبق اصل استصحاب، ما می دانیم که فرد مستوجب حد نبوده است، لذا اکنون چنانچه تردید نماییم که آیا مستوجب حد شده است یا خیر طبق اصل فوق، عدم ثبوت بر ذمه وی را استصحاب می نماییم. دلیل دیگر، اولویت سقوط عقاب دنیا، نسبت به سقوط مجازات اخروی می باشد. یعنی چنانچه، کسی در آخرت قابل مجازات، بدلیل عملی نباشد در دنیا نیز قابل مجازات نخواهد بود. چگونه ممکن است در صورت توبه وی در آخرین مستوجب عقاب نباشد ولی در دنیا وی را مجازات کنیم، زیرا سقوط مجازات در دنیا، نسبت به سقوط مجازات در آخرت اولویت دارد.

۴- توبه در سقوط مجازات زنا

اگر شخصی که مرتکب عمل زنا گردیده قبل از اثبات آن در محکمه، توبه نماید، مشهور فقهای امامیه بر این عقیده‌اند که حد از او ساقط می‌گردد.^{۲۶}

۴-۱- آیات

- سوره نساء/۱۵: شافعیه و حنابله در مورد این آیه چنین استدلال می‌کنند که قول صریح در قرآن بر قبول توبه شخص زناکار دلالت دارد: «زنانی که مرتکب زنا می‌شوند و چهار گواه مسلمان (و مرد) بر آنان بخواهید، اگر گواهی دادند، آنان را در خانه نگه دارید تا عمرشان به پایان برسد یا خداوند راهی برای آنان قرار دهد. هر مرد و زنی از شما که مرتکب این عمل شود، با سرزنش کردن او را مورد مجازات و تنبیه قرار دهید و آنان را آزار دهید و اگر توبه کرده و جبران کردند، از آنان در گذرید، همانا خداوند توبه‌پذیر و مهربان است. به این ترتیب و به استناد این آیه، توبه می‌تواند سبب سقوط حد زنا گردد».^{۲۷}

اما برخی از فقیهان بر این باورند که حکم آیات ۱۵ و ۱۶ سوره نساء با نزول حکم زنا در سوره نور نسخ شده است. عده ای از جمله قتاده شاگرد ابن عباس معتقدند که حکم این آیه منسوخ نشده و این مجازات مختص انحراف جنسی است.^{۲۸}

- سوره مائده/۳۳ و ۳۴: «جزای کسانی که با خدا و پیامبرش جنگ می‌کنند و در زمین به فساد می‌کوشند، آن است که کشته شوند، یا بر دار گردند یا دستها و پاهایشان یکی از چپ و یکی از راست بریده شود یا از سرزمین خود تبعید شوند. اینها رسوایشان در این جهان است و در آخرت نیز به عذابی بزرگ گرفتار آیند».

«مگر کسانی که پیش از آنکه شما بر آنها دست یابید توبه کنند. پس بدانید که خدا

آمرزنده و مهربان است».^{۲۹}

چنانکه می‌بینیم در این آیه، در مورد جرم محاربه، توبه قبل از دستیابی مجازات را ساقط می‌کند. نحوه استدلال بدین گونه است: اگر حد محاربه که شدیدتر از برخی اقسام زنا و شدیدتر از سایر حدود است با توبه قبل از دستگیری ساقط می‌شود، حد زنا نیز به طریق اولی با توبه ساقط می‌شود.^{۳۰}

- سورة نساء/ ۱۶ و ۱۷: «و از میان شما، آن دو تن را که مرتکب زشتکاری می‌شوند، آزارشان دهید پس اگر توبه کردند و درستکار شدند از آنان صرفنظر کنید، زیرا خداوند توبه‌پذیر مهربان است».

«توبه، نزد خداوند، تنها برای کسانی است که از روی نادانی مرتکب گناه می‌شوند، سپس به زودی توبه می‌کنند؛ اینانند که خدا توبه‌شان را می‌پذیرد، و خداوند دانای حکیم است»^{۳۱}.

- سورة نور/ ۴ و ۵: و کسانی که نسبت زنا به زنان شوهردار می‌دهند، سپس چهار گواه نمی‌آورند، هشتاد تازیانه به آنان بزنید، و هیچگاه شهادتی از آنها نپذیرید، و اینانند که خود فاسقند.

- سورة مائده/ ۳۹: «پس هر که بعد از ستم کردنش توبه کند و به صلاح آید، خدا توبه او را می‌پذیرد، که خدا آمرزنده مهربان است»

- سورة بقره/ ۱۸۷: «در شبهای روزه، همخوابگی با زنانان بر شما حلال گردیده است. آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید. خدا می‌داند که شما با خودتان ناراستی می‌کردید، پس توبه شما را پذیرفت و از شما درگذشت. پس، اکنون [در شبهای ماه رمضان می‌توانید] با آنان همخوابگی کنید، و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته طلب کنید. و بخورید و بیاشامید تا رشته سپید بامداد از رشته سیاه [شب] بر شما نمودار شود؛ سپس روزه را تا [فرا رسیدن] شب به اتمام رسانید. و در حالی که در

مساجد معتكف هستيد [با زنان] درنiamيزيد. اين است حدود احكام الهی! پس [زنهار به قصد گناه] بدان نزديك نشويد. اين گونه، خداوند آیات خود را برای مردم بيان می‌کند ، باشد که پروا پيشه کنند».

– سورة فرقان/ ۷۰ و ۷۱: «مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته کند. پس خداوند بدیهایشان را به نیکیها تبدیل می‌کند، و خدا همواره آمرزنده مهربان است».

وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا و هر کس توبه کند و کار شایسته انجام دهد ، در حقیقت به سوی خدا بازمی‌گردد.

– سورة زمر/ ۵۳: «بگو ای بندگان من که بر خویشتن زیاده‌روی روا داشته‌اید از رحمت خدا نومید مشوید. در حقیقت، خدا همه گناهان را می‌آمرزد ، که او خود آمرزنده مهربان است».

– سورة نور/ ۳۱: «...ای مؤمنان ، همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید ، امید که رستگار شوید».

همانگونه که ملاحظه شد، در آیات مذکور آمرزش خداوند شامل حال توبه کنندگان شده و بر عمل صالح و ترک گناه در مقام توبه تأکید شده و نقش ساقط کنندگی توبه نسبت به گناهان به وضوح بیان گردیده است.

براساس قاعده «الحدود تدرء بالشبهات»، زمانی که زناکار قبل از ثبوت جرم توبه کند، حد جاری نمی‌شود؛ زیرا تا وقتی شهود شهادت نداده‌اند و یا شخص خود اقرار نکرده، حد ثابت نمی‌شود. در این حال اگر مرتکب زنا، توبه کند و سپس شهود شهادت دهند، به سبب توبه شک حاصل می‌شود که آیا حدی از ابتدا ثابت بود یا نه؟ در این حال، اصل عدم ثبوت حد، ثابت نبودن حد را اقتضا می‌کند؛ زیرا در توبه قبل از اثبات، وجود حد مشکوک است.^{۳۲}

مجازات اخروی به هیچ وجه قابل قیاس با مجازات‌های دنیوی نیست. مجازات اخروی از حیث نوع و میزان در فهم نمی‌گنجد. به ویژه آن‌که در برخی موارد، مجازات به صورت ابدی بر گناه‌کار تحمیل می‌شود. در این صورت، وقتی توبه مجازات اخروی را برمی‌دارد، به طریق اولی عقوبت دنیوی، یعنی حد را نیز بر می‌دارد. در نتیجه، توبه قبل از اثبات، باعث سقوط حد می‌شود. شهید ثانی می‌گوید: «اما سقوطه بتوبه قبل قیام البینه فلاّن التوبه تسقط الذنب وعقوبه الآخرة فعقوبه الدنيا اولی»^{۳۳}

۲-۴- روایات

قابیلان به سقوط حد زنا یا تو به، به روایاتی، تمسک کرده‌اند که به آن اشاره می‌شود:

۱-۲-۴- مرسله جمیل ابن دراج

جمیل بن دراج از مردی و او از امام باقر(ع) و یا امام صادق(ع) نقل می‌کند که درباره شخصی سؤال شد که دزدی کرده یا شراب خورده و یا زنا کرده است، ولی این جرم اثبات نمی‌شود و او دستگیر نمی‌گردد تا این که توبه می‌کند و شخص صالحی می‌شود، حکم او چیست؟ حضرت در پاسخ می‌فرماید: هر گاه عمل صالحی انجام دهد و کار شایسته‌ای از او سربزند، حد بر او جاری نمی‌شود.^{۳۴} این روایت به صراحت دلالت دارد که اگر کسی مرتکب زنا یا سرقت و یا شرب خمر شود و جرم وی ثابت نشود و دستگیر نگردد و توبه کند، حد بر او جاری نمی‌شود. با الگوی خصوصیت از این روایت می‌توان نتیجه گرفت که توبه قبل از اثبات هر حد، باعث سقوط آن می‌شود.^{۳۵} مفاد این روایت عام است و شامل توبه قبل از اثبات جرم از راه اقرار، علم قاضی و شهادت شهود می‌شود.^{۳۶} این روایت از حیث دلالت تام است، لکن از حیث سند مرسل می‌باشد؛ زیرا نمی‌دانیم شخصی که جمیل، این روایت را از او نقل کرده، ثقه بوده یا نه؟ در نتیجه، روایت قابل استناد نیست. کسانی که به این روایت استناد کرده‌اند، به این اشکال چنین

پاسخ داده‌اند: مراسیل جمیل در حکم مسانید است.^{۳۷} زیرا جمیل جزء اصحاب اجماع است. علاوه بر این مشهور فقها به این حدیث عمل کردند و عمل مشهور جبران‌کننده ضعف سند روایت است.^{۳۸}

۴-۲-۲- صحیحہ عبدالله بن سنان

در حدیثی صحیح، عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمود: «السارق اذا جاء من قبل نفسه تائباً الى الله و رد سرقة على صاحبها فلا قطع عليه؛ سارق اگر خود بیاید و در پیشگاه خدا توبه کند و مال مسروقه را به صاحبش برگرداند مجازات قطع عضو، بر وی جاری نمی‌شود»^{۳۹} هرچند این روایت مربوط به باب سرقت است، اما با الغای خصوصیت می‌توان گفت حکم حد زنا و سایر حدود نیز چنین است.^{۴۰}

۴-۲-۳- تخفیف مجازات در حدود

آخرین دلیل مشهور برای سقوط حد، بنای حد بر تخفیف است. بنابراین با توبه قبل از اثبات، باید در حق مجرم، به تخفیف قایل شد و حد را بر وی جاری نکرد^{۴۱} این موارد ادله فقهای مشهور است که برای سقوط حد زنا به وسیله توبه ارائه شده است. اما آیت‌الله خویی و آیت‌الله تبریزی که می‌گویند توبه قبل از اثبات به جز در مورد سرقت و محاربه، در حدود دیگر ساقط‌کننده حد نیست، برای مدعای خود به ادله مختلفی هم چون معتبره اصبح ابن نباته^{۴۲} و مشابه آن و اطلاق ادله حد، تمسک نموده‌اند و روایات مشهور را به سبب مرسله بودن رد کرده‌اند. در مختلف شیعه چنین آمده است: «اگر زانی قبل از قیام بینه توبه کرده، توبه حد را ساقط می‌کند و اگر توبه وی بعد از شهادت شهود باشد حد بروی لازم می‌شود و امام حق عفو وی را ندارد و اگر بعد از قرار علیه نفس خود، توبه کرد امام در عفو یا اقامه حد حسب مراعات مصلحت مختار است»^{۴۳}

ماده ۷۲ قانون مجازات اسلامی ایران در خصوص توبه بعد از اقرار به زنا بیان می دارد: «هر گاه کسی به زنایی که موجب حد است اقرار کند و بعد توبه نماید قاضی می تواند تقاضای عفو از ولی امر بنماید یا حد را بر او جاری کند».

۵- توبه در سقوط مجازات لواط

وطی مذکر، مذکر دیگری را به مقدار دخول حشفه لواط می گویند که با شهادت چهار مرد عادل یا چهار بار اقرار ثابت می گردد.

در حکم مذکور شیخ طوسی معتقد است: «اگر لائط قبل از قیام بینه توبه کند حد ساقط می شود و اگر توبه وی بعد از قیام بینه باشد حد از او ساقط نمی شود و بر امام اقامه حد واجب است و توبه وی در نزد خداوند موجب استحقاق عوض وی در آخرت به علت اجرای حد در دنیا بر وی می شود و در صورت توبه بعد از اقرار، امام مخیر در پذیرش یا اجرای حد است.»^{۴۴}

اما شیخ مفید معتقد است: «اگر توبه بعد از قیام بینه باشد، حاکم در عفو دو طرف لواط و یا اجرای حد بر حسب رعایت مصلحت مختار است».

اگر مرتکب عمل شنیع لواط قبل از اثبات توبه نماید، بنابر نظر مشهور فقهای امامیه حد، ساقط می شود.^{۴۵}

ماده ۱۲۵ قانون مجازات ایران در مورد توبه قبل و بعد از شهادت شهود بیان می دارد: «کسی که مرتکب لواط یا تنفیذ و نظایر آن شده باشد اگر قبل از شهادت شهود توبه کند حد از او ساقط می شود و اگر بعد از شهادت شهود توبه نماید حد از او ساقط نمی شود.»

ماده ۱۲۶ قانون مجازات نیز در خصوص توبه بعد از اقرار به لواط و تفهید بیان می‌دارد: «اگر لواط و تفهید و نظایر آن با اقرار شخص ثابت شده باشد و پس از اقرار توبه کند قاضی می‌تواند از ولی امر تقاضای عفو نماید.» اما حنابله و شافعیه می‌گویند: اگر جرم لواط ثابت شود حد واجب است، اما ابوحنیفه مجازات لواط را تعزیری می‌دانند.^{۴۶}

۶- توبه در سقوط مجازات مساحقه

وطی مونث به مونث را سحق می‌نامند که حد آن یکصد تازیانه خواهد بود. اگر مرتکب سحق قبل از قیام بینه توبه نماید حد از او ساقط می‌شود اما بعد از قیام بینه حد ساقط نخواهد شد مگر بنا بر قول شیخ مفید که حاکم را مخیر دانسته اند. چنانچه مساحقه به اقرار ثابت شده باشد و بعد از اثبات توبه نماید، حاکم مخیر بین عفو یا استیفاء خواهد بود.

ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی ایران بیان می‌دارد: «اگر مساحقه کننده قبل از شهادت شهود توبه کند حد ساقط می‌شود اما توبه بعد از شهادت شهود موجب سقوط حد نیست.»

ماده ۱۳۳ قانون مجازات اسلامی ایران نیز بیان می‌دارد: «اگر مساحقه با اقرار شخصی ثابت شود و وی پس از اقرار توبه کند قاضی می‌تواند از ولی امر تقاضای عفو نماید.» چنانچه در مورد زنا و لواط گفته شده، هر گاه جرم با اقرار ثابت می‌شده و مجرم پس از اقرار توبه می‌نمود نظر مشهور این بود که قاضی مخیر بین عفو و اجرای حد می‌گردد که این مسئله به طریق اولی در مورد مساحقه نیز صادق می‌باشد.

۷- توبه در سقوط مجازات شرب خمر

شریعت اسلام شرب خمر را با نصوص صریح به طور قاطع حرام دانسته است و همه مسلمانان در مورد حرام بودن آن اتفاق نظر دارند؛ زیرا این امر با آیه‌های قرآن کریم و حدیث‌های نبوی اثبات شده است شرب سکر موجب حد است اعم از اینکه مست کند یا نکند، کم باشد یا زیاد، خالص باشد یا ممزوج در هر صورت اگر شخص اقدام به شرب مایع مست کننده نماید به هشتاد تازیانه محکوم خواهد شد.

عموم فقیهان مسلمان بر این باورند که شرب خمر، جرمی مستوجب حد^{۴۷} و مجازات آن در شریعت اسلامی تعیین شده است. ولی با وجود این، آنان در میزان حد^{۴۸} با یکدیگر اختلاف دارند^{۴۹} در میان حنابله و برخی از شافعیه^{۴۹} توبه شارب خمر را قبل از دستگیری و تسلط بر وی مسقط مجازات می‌دانند. ابن‌قدامة که یکی از فقیهان مذهب حنبلی است، شرب خمر را از جمله جرایم حق‌الله دانسته و شرط صحت توبه در آن را پشیمانی و عزم بر ترک آن می‌داند. بعد اضافه می‌کند که اگر کسی به جرم شرب خمر آگاه نبوده و یا جرم وی علنی نشده است، اصراری بر اقرار وی نیست و بهتر است جرم خود را بپوشاند و آن را آشکار نسازد و بین خود و خدای خویش توبه کند.^{۵۰}

اما بنا به نظر مشهور امامیه، اگر شارب مسکر، قبل از قیام بینه توبه نماید، حد^{۵۱} از او ساقط می‌شود اما اگر بعد از قیام بینه و یا اقرار، توبه نماید، حد^{۵۱} ساقط نمی‌شود. در مقابل قول دیگری مبنی بر اختیار امام در قبول توبه بعد از اقرار وجود دارد شیخ مفید که یکی از قائلین به این نظر است به اصل براءت و عدم ثبوت حد^{۵۲} بر ذمه کسی به دلیل استصحاب و اولویت سقوط عقاب دنیوی از عقاب اخروی، استدلال کرده است^{۵۲} همچنین استدلال کرده‌اند که تخییر در شرب خمر به زنا و لواط که قبح آنها، اعظم از شرب خمر است قیاس می‌شود و لذا در شرب خمر به طریق اولی تخییر جاری است.

اما برخی معتقدند که تخیر مربوط به زمانی است که حدّ از نوع رجم باشد در حالی که در شرب خمر فقط جلد است و زمانی که شک می‌کنیم که آیا تخیر است یا خیر، استصحاب بقاء حدّ، منع به تخیر را نتیجه خواهد داد و قیاس شرب خمر به زنا و لواط، علاوه بر آنکه قیاس را نزد امامیه بی اعتبار می‌دانند، قیاس مع الفارق دانسته شده است این ادیس در مبسوط و شیخ طوسی در خلاف نیز این دیدگاه را پذیرفته اند.

پس قول مشهور فقها مسلمان این است که اگر شارب، قبل از قیام بینة و دستگیری، توبه نماید حد از او ساقط می‌شود اما اگر بعد از قیام بینة توبه نماید حد ساقط نمیشود و اگر شارب خمر، اقرار به شرب مسکر نماید و بعد از اقرار توبه نماید، حاکم در عفو یا استیفاء حد مخیر است ولی قول غیر مشهور در مورد توبه بعد از اقرار قائل به وجوب اجرای حد شده اند.

شرب خمر نیز مشمول قاعده عمومی ماده ۱۱۴ قانون مجازات ایران در خصوص توبه در جرایم موجب حدّ می‌گردد؛ یعنی در صورت احراز توبه متهم قبل از اثبات جرم، حد ساقط می‌گردد.

ماده ۱۸۱ قانون مجازات اسلامی ایران^{۵۳} بیان می‌دارد: «هرگاه کسی که شراب خورده قبل از اقامه شهود توبه نماید حد از او ساقط می‌شود ولی توبه بعد از اقامه شهادت موجب سقوط حد نیست.»

توبه در این ماده را می‌توان ناظر بر دو زمان دانست. صدر ماده فوق ناظر بر زمانی است که هنوز جرم آشکار نشده و مرتکب هم توبه نموده و از معرفی خود به محاکم خودداری می‌نماید لذا توبه علاوه بر اینکه عقوبت و عذاب اخروی را از بین می‌برد، سبب سقوط مجازات قانونی عمل را نیز فراهم می‌نماید.

قسمت بعد این ماده ناظر بر زمانی است که جرم آشکار گردیده است و لذا توبه عبارتست از پشیمانی از گذشته و عدم تکرار جرم و نیز پذیرفتن حکم اجرای حد. با این وجود ملاحظه می‌شود توبه گر چه سبب زائل شدن عقوبت و عذاب اخروی می‌گردد لکن مجازات و کیفر قانونی عمل همچنان باقی مانده و در واقع بعد از علنی شدن جرم و گناه بوضوح روشن می‌شود که حد بایستی اجرا گردد.

ماده ۱۸۲ق. مجازات ایران بیان می‌دارد: «هر گاه کسی بعد از اقرار بخوردن مسکر توبه کند قاضی می‌تواند از ولی امر تقاضای عفو نماید یا حد را بر او جاری کند.» در این ماده به جای شهادت، مسأله اقرار مطرح شده به نحوی که شارب خمر پس از اقرار به جرم توبه می‌نماید لذا در این صورت قاضی مخیر است بین اینکه مجرم را مورد اجرای حد قرار داده و یا تقاضای عفو او را بنماید.»

۸- توبه در سقوط مجازات سرقت

یکی از حدود در معنای دقیق قرآنی آن، سرقت است. سرقت عبارت است از بردن مال دیگری به طور مخفیانه به قصد تصرف در آن که در کنار جنبه حق‌اللهی، جنبه حق‌الناسی نیز دارد.^{۵۴} باید توجه داشت که جنبه حق‌الناسی در حد سرقت فقط تا قبل از شکایت و «رفع الامر الی الحاکم» است، ولی بعد از آن جنبه حق‌الناسی تمام شده و جنبه حق‌اللهی محض پیدا می‌کند و آنگاه اسقاط و گذشت مال‌باخته در سقوط حد تأثیری ندارد. این مسأله مورد اتفاق فقیهان مذاهب مختلف است، و به حدیث صفوان بن امیه استناد کرده‌اند. زمانی که او می‌خواست شخصی که ردایش را به سرقت برده بود، در نزد پیامبر عفو کند، درخواست وی با این سخن پیامبر رد شد که فرمود: چرا او را قبل از اینکه نزد من بیاوری نبخشیدی؟^{۵۵} این دیدگاه در بند «ذ» ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی ایران ظهور پیدا کرده است. این ماده مقرر می‌دارد که: "سرقت در صورتی که دارای تمام

شرایط زیر باشد موجب حدّ است: ... ذ- صاحب مال قبل از اثبات سرقت سارق را نبخشد.

فقیهان به نسبت تأثیر توبه در حدّ سرقت به دو دسته تقسیم می‌شوند و همان ادله‌ای را که به نسبت حدّ زنا بیان شد، اقامه می‌کنند. قائلان به تأثیر توبه در حدّ سرقت به آیات ۳۸ و ۳۹ سوره مائده استناد کرده‌اند که بعد از ذکر مجازات سرقت، همراه آن توبه نیز بیان شده است. آیه «فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ» در ادامه مجازاتی است که خداوند برای سارق تعیین کرده و مانند استثنایی است که در آیه محاربه وارد شده است.^{۵۶} دلیل دیگر آنها، قیاس سرقت بر محارب است که توبه سارق قبل از دستگیری، مجازات را ساقط می‌کند^{۵۷} از دیدگاه امامیه چنانچه سارق قبل از قیام بینه بر سرقت توبه نماید، حدّ از او ساقط می‌شود. صاحب جواهر بر این حکم ادعای اجماع می‌کند. این حکم در مورد سایر حدود نیز جاری است و مستند این سخن حدیث امام صادق علیه‌السلام است که می‌فرماید: «السارق اذا جاء من قبل نفسه تائباً الى الله عزوجلّ و ردّ سرقة على صاحبها، فلا قطع عليه»^{۵۸} اگر سارق خود در حالی که توبه کرده به سوی خداوند بیاید و مال مسروقه را به صاحبش برگرداند، حدّ قطع بر او جاری نمی‌شود. اما توبه پس از شهادت مسقط نیست. همچنین اگر بعد از اقرار توبه کند، قول مشهور عدم سقوط است و بنابر قول دیگر امام مخیر است که عفو کند و یا حدّ را استیفا نماید.^{۵۹} قول دیگری هم هست که بعد از توبه امام (ع) را بین عفو و استیفاء مخیر می‌داند. در تحریر الوسیله حکم مذکور به صورت قیل مطرح شده است که مشعر به تعریض این قول است.^{۶۰}

می‌توان نتیجه گرفت که در سرقت جنبه حق الناسی بر جنبه حق اللهی غلبه دارد.

قانونگذار ایران به تبعیت از متون فقهی اقدام به جعل بند ۵ ماده ۲۰۰ قانون مجازات و تبصره مربوطه نموده است. قانونگذار در بند ۵ بر مسأله توبه قبل از ثبوت جرم که باعث سقوط مجازات می‌گردد تصریح می‌نماید آنجا که بیان می‌دارد:

«سارق قبل از ثبوت جرم از این گناه توبه نکرده باشد.» مفهومی این است که چنانچه قبل از ثبوت جرم از این گناه توبه کرده باشد حد ساقط می‌گردد.

در تبصره مذکور نیز قانونگذار اشاره به توبه بعد از اثبات جرم نموده و صراحتاً بی‌اثر بودن چنین توبه‌ای را در سقوط مجازات اعلام می‌نماید آنجا که بیان می‌دارد:

«حد سرقت بعد از ثبوت جرم با توبه سارق ساقط نمی‌شود و عفو سارق جایز نیست.»

مسأله ای که در اینجا ذکر آن لازم بنظر می‌رسد این است که مقنن در خصوص تأثیر توبه در سقوط مجازات سرقت، حکم کلی موضوع را بیان می‌نماید بدین صورت که توبه قبل از ثبوت جرم را مسقط حد دانسته و توبه بعد از ثبوت جرم را بی‌اثر می‌داند و تفکیکی بین اینکه اثبات جرم با اقرار صورت گرفته یا با شهادت شهود قایل نشده است.

۹- توبه در سقوط مجازات قذف

قذف در حقوق اسلامی به معنای نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری است. چنانچه شخص قاذف دیگری را به نسبت های مذکور قذف کند و نتواند برای گفته خود، بینه اقامه کند، محکوم به هشتاد تازیانه خواهد شد در قرآن در آیات ۴ و ۵ سوره مبارکه نور به مسئله قذف پرداخته شده است.

از آنجا که قذف از حقوق الناس به شمار می‌آید، توبه شخص قاذف موجب سقوط حد از او نخواهد بوده و توبه او صرفاً می‌تواند آثار اخلاقی در پی داشته باشد بدون آنکه کیفر دنیوی را زایل نماید بدین صورت که دو گونه مجازات برای قذف در نظر گرفته شده است. ۱- مجازات اصلی که عبارتست از هشتاد تازیانه ۲- مجازات تبعی که

عبارتست از عدم قبول شهادت به خاطر غلبه جنبه حق الناسی بر حق الله، با وجود توبه قاذف در صورت عدم گذشت شاکی مجازات اصلی پا برجاست و توبه قاذف تنها منجر به صحت شهادت وی خواهد شد.

قانون مجازات اسلامی ایران نیز باب پنجم خود را از ماده ۱۳۹ تا ۱۶۴، به قذف و مسائل مربوطه به آن اختصاص داده است و در بندهای ماده ۱۶۱ موارد سقوط حد قذف را تصریح کرده است که توبه به عنوان عامل سقوط، جایی ندارد و موارد سقوط حد قذف را، تصدیق مقذوف، شهادت شهود بر سخن مقذوف، عفو مقذوف یا ورثه او یا امان مرد زوجه‌اش را بعد از قذف عنوان کرده است.

نتیجه گیری

آنچه که مورد بررسی قرار گرفت گذری بود بر توبه به عنوان عامل موثر در کیفر و پی گیری در روند توبه و ظهور آن در دو مرحله قبل از اثبات و بعد از اثبات با پیش زمینه های فقهی آن که با عناوین متعدد و متفاوت موثر در کیفر مطرح شد و به قابل دفاع بودن توبه قبل از اثبات به عنوان اسباب سقوط مجازات و توبه بعد از اثبات به عنوان «موثر در سلسله علل» سقوط کیفر معتقد شدیم. پشیمانی و ندم به عنوان مقوم ماهیت توبه اعتقاد داریم و درباره شروط آن دیگر نظیر عزم بر عدم بازگشت، ادای حقوق الله و حقوق الناس به این نتیجه رسیدیم که این موارد حداکثر واجباتی هستند مستقل از ذات توبه.

توبه اعم از اینکه، قبل از اثبات واقع شود یا بعد از اثبات جرم محقق گردد، نشان از بسامان شدن رفتار آدمی و تعادل در روح و جسم فرد مرتکب، خواهد داشت.

موضوع قابل پیشگیری دیگر، چگونگی احراز توبه در دادگاه ها و محاکم است و اینکه چه روشی باید ملاک عمل قرار گیرد در بررسی ها این نتیجه عایدمان شد از آنجا که توبه مسأله ای درونی و باطنی است و قائم به نفس تائب است و تنها از طرف خود تائب معلوم

و مشخص می‌گردد. لذا صرف ادعای مبنی بر توبه و در صورت عدم علم قاضی به کذب
گفتار تائب فرض احراز توبه نزد ما محقق می‌شود.
در مورد توجه به نوع مجازات و تأثیر آن در سقوط کیفر، دید اجتماعی بر تأثیر توبه
در فرایند سقوط کیفر در قلمرو مجازات‌های حدی است و مورد شامل جرایم منجر به
قصاص و دیات به علت تغلیب حق الناس نخواهد بود.



پی نوشت‌ها

۱. فرهنگ عمید، ج ۲، ص ۱۰۵۶.
۲. اباذری فومشی، ص ۴۳۵.
۳. لغتنامه دهخدا، واژه مجازات.
۴. محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، صص ۱۵۱-۱۷۶، جلد ۲، تهران: نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۳.
۵. ابن فارس، حسین احمد، معجم المقایس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، بیروت، دارالجليل، ۱۴۱۱ ق، ص ۳۵۷.
۶. حمیری، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۷۸۱/ زبیدی واسطی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۲۸.
۷. الاصفهانی، راغب، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۶ ق، ص ۱۶۹.
۸. فرقان: ۷۰.
۹. تحریم: ۸.
۱۰. مانده: ۳۹.
۱۱. حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۳۷.
۱۲. الغزالی، محمد، احیاء علوم الدین، بیروت، بی نا، ۱۴۰۶ ق، ص ۴.
۱۳. الطباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ط ۳، ۱۳۹۷ ق، ص ۳۸.
۱۴. القرضاوی، یوسف، توبه، ترجمه احمد نعمتی، تهران، احسان، ۱۳۸۰، ص ۷۸.
۱۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۶۲۴۱، لسان العرب، ص ۴۶۷، بیروت، مؤسسه علمی مطبوعات ابن منظور، ۱۴۲۶.
۱۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ص ۷۷۸۵، تهران، جلد ۶، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۱۷. معلوف، لويس، فرهنگ بزرگ جامع نوین (ترجمه المنجد) ص ۱۲۰، ترجمه احمد سیاح، تهران، اسلام، چاپ چهارم، ۱۳۸۲.
۱۸. حلی، جعفر بن حسن، ۱۳۴۰، شرایع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، ص ۲۳۹، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۱۹. طباطبائی، سیدعلی، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، ص ۵۱۳، ج ۳۱، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۲۰. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحارالانوار، جلد ششم، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۴، ص ۲۵/.
۲۱. همان، ص ۳۲ /.
۲۲. سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، جلد دوم، قسم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۹، ص ۴۱۶/، مسئله ۱۶.
۲۳. نجفی، محمد حسن جواهر الکلام ج ۱۴، ص ۸۰۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
۲۴. شهید ثانی، زین الدین، الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه، جلد دوم، الطبعة الحادی العشره، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۱ ق، ص / ۳۶۱.
۲۵. الشیخ الحر العاملی، همان.
۲۶. خویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، ص ۵۸۱، ج ۱۴، قم: مؤسسه احیاء آثار امام خویی.

٢٧ . الكاساني، علاءالدين ابي بكر بن مسعود، بدائع الصنائع في ترتيب الشرايع، ص ٩٦، جلد ٧، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٢٤ق.

٢٨ . ابن كثير، اسماعيل بن عمر، تفسير القرآن العظيم، ص ٤٦٢، جلد ١، المكتبة الشاملة، الأصدار الثاني، بي.تا.

٢٩ . مائده، ٣٤.

٣٠ . مكارم شيرازي، ناصر، انوار الفقاهة، ج ١ كتاب الحدود والتعزيرات، ص ٢٤٢، قم، مدرسه امام علي بن ابي طالب(ع).

٣١ . نساء، ١٧.

٣٢ . كريمي جهرمي، ١٤١٤، ج ١، ص ١٤٢؛ نجفي، ١٣٦٣، ج ٢٤، ص ٨٠٣.

٣٣ . شهيد ثاني، مسالك الأفهام الى تنقيح شرائع الاسلام، ص ٨٥٢، قم، مؤسسه معارف اسلامي.

٣٤ . عاملي، محمد بن حسن، بي.تا، وسائل الشيعه. ج ٨١ ص ٨٣٣، تهران: مكتبة الإسلامية.

٣٥ . كريمي جهرمي، علي، الدر المنضود في احكام الحدود، ج ٢، ص ٣٦، قم، دارالقرآن كريم.

٣٦ . فاضل لنكراني، محمد، تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة، ص ٥٣١، قم، كتاب الحدود.

٣٧ . كريم جهرمي، همان ص ٢٤٢.

٣٨ . مكارم شيرازي، ناصر، انوار الفقاهة. ج ١، ص ٥٣١، كتاب الحدود والتعزيرات، قم: مدرسه امام علي بن ابي طالب.

٣٩ . حر عاملي، بي.تا، ص ٣٥٠.

٤٠ . كريمي جهرمي، ج ٢، ص ٤٦.

٤١ . اردبيلي، احمد، مجمع الفائده والبرهان، ج ١، قم، مؤسسه نشر اسلامي، ص ٨٤.

٤٢ . حر عاملي، بي.تا، ص ٨٢٣.

٤٣ . الحلي، الحسن بين يوسف بن المظهر، مختلف الشيعه، جلد نهم، ص ١٤٦.

٤٤ . محمد بن الحسن، في مجرد الفقه و الفتوى ، ص ٧٠٦ و ٧٠٥ .

٤٥ . نجفي، ١٣٦٣، ج ١٤، ص ٧٨٣؛ خويي، ١٤٢٢، ص ٥٨٢.

٤٦ . الجزيري، عبدالرحمن، الفقه على المذاهب الاربعه، ص ٥، جلد ٧، بيروت، داراحياء التراث العربي، چاپ اول، ١٤٠٦ق.

٤٧ . ر. ك. العوا، محمد سليم، درآمدی بر اصول نظام کیفری اسلام، ترجمه حمید روستایی صدرآبادی، تهران، سلسبیل، ١٣٨٥.

٤٨ . ر. ك. الشريني، خطيب، المعنى المحتاج، بيروت، دارالمكتب العلمية، ١٤١٥ ق.

٤٩ . ابن قيم الجوزيه، محمد بن ابي بكر، اعلام الموقعين، صص ١٩٨- ١٩٧، بيروت، دارالكتاب العربي، ١٤١٦ ق.

٥٠ . ابن قدامه، محمد بن عبدالله، المعنى و الشرح الكبير، بيروت، دارالكتاب العربي، ١٤٠٣ ق.

٥١ . الحلي، ابوالقاسم، شرائع الاسلام، ص. ٩٣٦، جلد ٣، بيروت، دارالفداء، چاپ دوم، ١٤٠٣ ق.

٥٢ . شيخ مفيد، محمد بن محمد، المسئنة، ص ١٢٣، قم، جامعه مدرسين، بي.تا.

٥٣ . (مصوب ١٣٧٠)

٥٤ . الكاساني، علاء الدين ابي بكر بن مسعود، بدائع الصنائع في ترتيب الشرايع، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٢٤ق.

٥٥ . النجفي، محمد حسن، جواهر الكلام، تهران، دارالكتب الاسلاميه، چاپ ششم، ١٣٧٤.

۵۶. امینی، جهاندار و دیگران، مجله حقوقی دادگستری شماره ۸۶ ص ۵۴، سال هفتاد و هشتم تابستان ۱۳۹۳.

۵۷. الرملی، پیشین، ۶/۸، ابن قدامه، پیشین، ۳۱۷/۱-۳۱۶.

۵۸. الحراعاملی، محمدبن الحسین، وسائل الشیعه، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بی‌جا، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، باب ۱۲، حدیث اول.

۵۹. الخویی، سیدابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، ص. ۳۰۹، بی‌جا، لطفی، بی‌تا.

۶۰. السيد روح الله خمینی، تحریر الوسیله، جلد چهارم، ص ۴۸۸.